



دانشکده ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته‌ی زبان و ادبیات عربی

عنوان:

پژوهشی درباره‌ی فراز و نشیب‌های شعر عربی در صدر

اسلام

استاد راهنما:

دکتر عباس عرب

استاد مشاور:

دکتر عباس طالب زاده شوشتری

نگارنده:

محمد مختومی

تابستان ۱۳۹۰

تقریباً بہ:

روح

پلاک

پہلو

و

ماور

عزیز

تقدیر و تشریح

حالی که در آستانه‌ی پیدایش سرگذشت منقطع تھیالی کلاس‌شناسی ارشد قرار دارد، بر
خود لازم می‌دانم که از تمام معلمان و اساتیدی که به نحوی در تعلیم و آموزش من
تھیالی و دانشم کمال تھی کرد و تقدیر را ابراز دارد. خصوصاً از اساتید بزرگوار جناب و کتر
عرب که در طول دوره‌ی تھیالی و در دانش‌گاه فرودسی اساتیدی و لیسوز برای بنده بودند و از
مضرای نام، در مراحل ترویج و بازنگری رساله، بسیاری از بهره‌مند شدم. هم‌چو‌های از اساتید فرزانه
جناب و کتر طالب زاده که در کنار پدای نام با سعی صدر مرا راهنمایی و ارشاد کردند
و نظرات و انتقاداتی نام برای بنده بسیار مفیدی و قابل ملاحظه بود. و هم‌چو‌های از ساری
اساتیدی و محترم گدوه زبانه و ادیبی اس عربی و دانش‌گاه فرودسی، کمال سپاس و تھی کرد
را دارد.

بسمه تعالی

مشخصات پایان نامه تحصیلی دانشجویان



عنوان پایان نامه: پژوهشی درباره‌ی فراز و نشیب‌های شعر عربی در صدر اسلام

نام نویسنده: محمد مختومی

نام استاد(ان) راهنما: دکتر عباس عرب

نام استاد(ان) مشاور: دکتر عباس طالب زاده شوشتری

رشته تحصیلی: ادبیات عرب	گروه: زبان و ادبیات عربی	دانشکده: ادبیات و علوم انسانی دکتر علی شریعتی
-------------------------	--------------------------	--

تاریخ تصویب: ۸۸/۹/۱۷	تاریخ دفاع: ۱۳۹۰/۶/۲۹
----------------------	-----------------------

مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	دکتری	تعداد صفحات: ۱۱۳
----------------------------	-------	------------------

چکیده پایان نامه:

این رساله تحقیقی پیرامون مبحث «فراز و نشیب‌های شعر عربی در صدر اسلام» می‌باشد. نگارنده در این تحقیق ابتدا به مسأله‌ی «دیدگاه قرآن به شعر» می‌پردازد و با آوردن نظریات دانشمندان و محققان، ابتدا مسأله را شرح داده و در نهایت دیدگاه قرآن به شعر را روشن می‌سازد. و در پی آن نگارنده برای روشن شدن بیشتر مباحث، سیره و روش پیامبر گرانقدر اسلام(ص) و همچنین خلفای راشدین را در برخورد با شعر و شاعران، در پژوهشی نسبتاً جامع بیان می‌کند و علاوه بر آن آراء گوناگون علماء را در این زمینه مورد بررسی و کنکاش قرار می‌دهد. و همچنین نگارنده به مسأله‌ی «ضعف شعر» در این دوره می‌پردازد تا ابهاماتی را که در این زمینه سایه افکنده است، رفع شود.

امضای استاد راهنما:	کلید واژه:
تاریخ:	۱. قرآن ۲. شعر ۳. صدر اسلام ۴. ضعف ۵. خلفای راشدین



لقب الطالب: محتومى

الاسم: الدكتور عباس عرب

كلية الآداب و العلوم الإنسانية، قسم: اللغة العربية و آدابها

مقطع: ماجستير

تاريخ المناقشة: ١٣٩٠/٦/٢٩

الإسم: محمد

الاسم: الدكتور المشاود: الدكتور عباس طالبزاده

فرع: الادب العربي

عدد الصفحات: ١١٢

عنوان الرسالة: دراسة حول تطورات و تحولات الشعر العربي فى صدر الاسلام
المفردات الرئيسة: القرآن، الشعر، صدر الاسلام، الضعف، الخلفاء الراشدون.

الملخص:

هذه الرسالة تسلط الضوء على « تطورات و تحولات الشعر العربي فى صدر الاسلام». تطرّق الباحث فى البداية الى قضية « نظرة القرآن الكريم الى الشعر». بدءاً بسط هذه القضية معتمداً على آراء العلماء و المحققين ، ثم بين نظرة القرآن الى الشعر. و لتبسيط البحث و التمعّن فيه تطرّق الباحث الى سيرة و اسلوب النبى الاكرم(ص) و الخلفاء الراشدين فى معاملتهم مع الشعر و الشعراء، فى دراسة مسهبة و متكاملة تعتمد المنهجية العلمية.. علاوةً على ذلك قام بدراسة و تحليل الآراء المختلفة للعلماء فى هذا المجال.

ايضا تطرّق الباحث الى قضية «ضعف الشعر» فى هذه الفترة لتقصى الحقيقة و رفع الغموض المتعارف عليه فى هذا الصدد.

توقيع الاستاذ المشرف :

فهرست مطالب

۸	مقدمه
۱۲	باب اول: اسلام و شعر
۱۳	فصل اول: جایگاه شعر در عصر جاهلیت
۱۴	جایگاه شعر نزد عرب قبل از ظهور اسلام
۲۰	فصل دوم: قرآن کریم و شعر
۲۱	شعر و شاعری از دیدگاه قرآن کریم
۲۳	۱ - کذب (دروغ)
۲۵	۲ - تیزی و باریک اندیشی و ظرافت گویی
۲۷	۳ - کلامی موزون و مقفی
۳۱	۴ - تخیلات کاذب ذهنی و اوهام باطل
۴۰	فصل سوم: پیامبر اکرم (ص) و شعر
۴۱	شعر و روایت آن از دیدگاه پیامبر (ص)
۴۵	ممنوعیت روایت شعر توسط پیامبر (ص)
۴۷	پیامبر (ص) و گوش دادن به اشعار
۵۰	پیامبر (ص) به شعر زنان گوش می دهد
۵۱	پیامبر شعر (ص) را به عنوان یک حربی تبلیغاتی به کار می گیرد
۵۴	نقد شعر و راهنمایی شاعران توسط پیامبر (ص)
۵۹	فصل چهارم: خلفای راشدین و شعر
۶۰	دیدگاه خلفای راشدین در مورد شعر
۶۰	دیدگاه خلیفه اول در مورد شعر
۶۱	دیدگاه خلیفه دوم در مورد شعر
۶۵	دیدگاه خلیفه سوم در مورد شعر

۶۶	دیدگاه علی(ع) در مورد شعر.....
۶۹	باب دوم: ویژگیها و سطح فنی شعر در صدر اسلام.....
۷۰	فصل اول: سطح فنی شعر در صدر اسلام.....
۷۱	مسأله ضعف شعر در عصر نبوت و خلفای راشدین.....
۷۲	الف) روی گردانی از شعر.....
۸۰	ب) ضعف سطح فنی شعر.....
۹۵	فصل دوم: ویژگیهای فنی شعر در صدر اسلام.....
۹۶	ویژگیهای فنی شعر در صدر اسلام.....
۹۶	قالب قصیده.....
۹۷	سبک لغوی:.....
۹۷	سبک نداء.....
۹۸	سبک دعاء.....
۹۰	سبک سوگند.....
۹۹	سبک نهی (باز داشتن).....
۱۰۰	سبک استفهام.....
۱۰۰	تنبیه و تحریک.....
۱۰۰	الفاظ و عبارات شعر در صدر اسلام.....
۱۰۲	نتیجه.....
۱۰۹	کتابنامه(منابع و مأخذ).....

مقدمه

در بین افراد بشر کسی را نمی‌توان یافت که به هنر علاقمند نباشد چون گرایش به هنر یک امر فطری است و مثل بقیه امور فطری نمی‌توان از آن صرف‌نظر کرد.

هنر معیار درک حیات است، آدمی به آن می‌گراید تا مدّتی از دغدغه‌های زندگی دنیوی بیاساید، هنر وجه مشترک تمام مردم دنیاست و هرکس با هر عقیده و ملیتی به هنر علاقمند بوده و مدّتی خود را با آن سرگرم می‌کند، هنر مصادیق مختلفی دارد که یکی از آنها شعر است.

شعر زبان احساس است. احساس را بیان می‌کند و از روح گوینده به روح شنونده منتقل می‌سازد. شعر هنری است که شاعر با هنرمندی، الفاظ معمولی را با یک چینش خاص چنان کنار هم قرار می‌دهد که هم به مقصودش رسیده باشد و هم شنونده آن را بفهمد. شعر چون خواسته‌ی دل است و از دل برمی‌آید لاجرم بر دل می‌نشیند. با توجه به اینکه قرآن، این کتاب آسمانی برای همه جنبه‌های زندگی بشر دستورالعمل دارد، پس در این امر هم انسان‌ها را به حال خود رها نکرده است.

از آنجا که شعر زائیده فکر و روح بشر است، شیاطین و در رأس آنها ابلیس، برای انحراف انسان‌ها، بیکار ننشسته‌اند، پس یک شاعر نیاز به راهنمایی و هدایت الهی دارد. و اگر راه را از بیراهه باز نشناسد لاجرم در مسیر دام شیاطین قرار خواهد گرفت و طعمه‌ی آنها خواهد شد.

در این میان ادبیات عربی به خاطر گستردگی زبان عربی و پراکندگی و قدمت نژاد عرب، دایره‌ای بس وسیع و تاریخی ریشه‌دار و عمیق دارد و در هر عصری تحت تأثیر عوامل مختلف و

متعددی قرار گرفته است. و در بین اعصار، عصر صدر اسلام بیشترین تأثیر را بر زبان عربی و زندگی ادبی عربها داشته است، چرا که با مطالعه ادبیات این دوره در می‌یابیم که اسلام موجب گستردگی اغراض آن و دگرگون شدن الفاظ و شیوه‌های بیان شد، بلکه همانند تأثیر بر زندگی دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فکری عربها، در زندگی ادبی آنها نیز مؤثر بوده است، و همگان بر این مسأله اذعان دارند که هر تحوُّلی که در ادبیات این دوره پدید آمده به یقین اولین سرچشمه‌ی آن قرآن کریم بوده که به تنهایی سرچشمه‌ی فرهنگ دینی، اجتماعی، فرهنگی و ادبی مسلمانان شمرده می‌شود.

این عصر گران قدر اندک اندک از تاریکی دوران دمیده و با آن روزگار تابناک شد و روزگار به عظمت این عصر افتخار می‌کند. و مردم در سایه‌ی بسیار گسترده و پربرکت آن آرمیده‌اند و در پرتو آن به امنیت، خیر، صلح و عدالت رسیده‌اند.

این مجموعه بررسی و تحقیقی در زمینه‌ی شعر در صدر اسلام می‌باشد. که از زمان پیامبر(ص) آغاز گشته و با پایان خلافت خلفای راشدین به پایان می‌رسد، دوره‌ای که چه در گذشته و چه در حال و آینده قبله‌گاه دل‌ها بوده، و دل‌ها به عشق آن تپیده و خواهد تپید. و عقل‌ها در سایه‌ی آن هدایت می‌یابد و نتایج و عوائد والای حاصله از آن موجب سربلندی انسان‌ها می‌گردد.

گرچه در نظر اول محدوده بحث در قالب زمانی جلب نظر می‌کند اما تار و پود و اساس بحث، فکر و اندیشه است و این با هدف نگارش این رساله هماهنگی بیشتری دارد زیرا ما، درصدد بررسی نوعی خاص از شعر هستیم که اسلام انگیزه‌ی پیدایش و راهنمایی اصلی آن در راستای ایجاد شخصیت انسانی متّصف به اسلام با عقل و وجدانی کامل بوده است. از این جهت ما در این رساله تنها زمان منظورمان نیست.

زیرا زمان ظرفست و ظرف گنجایش حق و باطل را دارد. و شاعران این دوره عده‌ای از «مخضرمین» بودند که قسمتی از زندگیشان در جاهلیت و قسمتی در زمان اسلام بوده و گروهی از آنان در جبهه‌ی دشمنان اسلام و عده‌ای هوادار اسلام بودند. و در همین زمان هنوز نشانه‌های جاهلیت از افکار و اذهان تمامی کسانی که دیر یا زود به اسلام گرویده بودند زدوده نشده بود.

اما قرآن کریم و سیره پاک رسول اکرم(ص) همچنان که بیان کردیم دارای قداست و اهمیتی بلا وصف هستند، و این امر ایجاب می‌کند هرگونه ابهامی در مسائلی که به آن مربوط می‌شود روشن‌گری شود. در مورد قرآن کریم و مواضعش در برابر شعر و شاعری ابهاماتی مطرح است و همچنین در مورد مسائلی که به شعر این دوره مطرح می‌شود نظیر ضعف شعر این دوره و تغییرات آن از نظر فنی و ... که نیاز به پژوهش دارند. به همین جهت نگارنده بر آن شد که این موضوع را به عنوان موضوع پایان‌نامه به استاد محترم، دکتر عرب پیشنهاد دهد. و بعد از تأیید ایشان، موضوع پایان‌نامه با عنوان «پژوهشی درباره‌ی فراز و نشیب‌های شعر عربی در صدر اسلام» توسط گروه محترم زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد تصویب گردید.

باید دانست که در این زمینه محققان قدیم و جدید در کتاب‌های تاریخ ادبیات و یا در بین کتاب‌هایی که به بررسی ادب این دوره پرداخته‌اند اشاره کرده و برخی از آنان حق مطلب را ادا کرده‌اند و نگارنده از مطالعه‌ی آثارشان بسیار سود جسته است. از جمله‌ی این آثار کتاب اسلام و شعر نوشته یحیی جبوری، اسلام و شعر نوشته سامی عانی و فی ادب الاسلام نوشته‌ی محمد عثمان علی و ... است. نگارنده در این رساله از دانشمندان اسلامی مختلف چه عامه و چه خاصه بهره‌مند شده، و در مسأله ضعف شعر این دوره نیز با یک تقسیم‌بندی منظم نظریه‌ی مطلوبی در این زمینه ارائه می‌دهد.

این رساله در دو باب که باب اول در چهار فصل و باب دوم از دو فصل تنظیم گردید. نگارنده در فصل اول از باب اول به «جایگاه شعر در عصر جاهلیت» پرداخته تا با بیان و شرح این مسأله بتواند وارد بحث اصلی خویش شود.

فصل دوم که یکی از فصول اصلی رساله است، به موضوع «شعر و شاعری از دیدگاه قرآن» می‌پردازد.

فصل سوم نیز در آن مسأله‌ی «شعر و شاعری از دیدگاه پیامبر(ص)» مطرح می‌شود و سیره و روش پیامبر(ص) در برخورد با شعر و شاعران و اینکه از شعر در انجام رسالت خویش چه کاربرد ابزاری نمودند، و مسائلی شبیه به آن شرح داده شده است.

در فصل چهارم به مسأله‌ی « شعر از دیدگاه خلفای راشدین » پرداخته شده است و موضع خلفای راشدین که به دنبال پیامبر(ص) به خلافت رسیدند برای روشن شدن بیشتر مسأله بیان شده است.

در باب دوم در فصل اول آن، که فصل مهم دیگر رساله است «مسأله‌ی ضعف شعر در عصر صدر اسلام» می‌باشد و نگارنده با آوردن نظریات گوناگون این بحث را بیشتر شرح می‌دهد.

در فصل دوم نیز «ویژگی‌های فنی شعر در صدر اسلام» بیان شده است.

از آنجا که سخن گفتن از این موضوعات نیاز به تحقیقات گسترده‌ای دارد و کار خویش را تنها تلاشی هدف‌دار برای افزودن خشتی در دیوار پایدار و استوار ادبیات اسلامی می‌دانم و اقرار دارم که در این امر دچار لغزش‌ها و کاستی‌هایی شده‌ام. لذا از ایزد یگانه خواهانم که از لغزش‌های این حقیر درگذرد و فرصتی برای اصلاح آنها میسر گرداند. و امید است اساتید بزرگوار با راهنمایی‌های ارزشمند خویش، موجبات اصلاح لغزش‌ها و اشتباهات را در آینده فراهم سازند.

در پایان بر خود لازم می‌دانم که نهایت سپاس و قدردانی خویش را از راهنمایی‌ها و ارشادهای دلسوزانه‌ی استاد ارجمند جناب دکتر عرب و همچنین جناب دکتر طالب زاده که با سعی صدر و حوصله، کار پایان‌نامه را دنبال کردند، داشته باشم.

باب اول

اسلام و شعر

(۱) جایگاه شعر در عصر جاهلیت

(۲) قرآن کریم و شعر

(۳) پیامبر اکرم (ص) و شعر

فصل اول

جایگاه شعر در عصر جاهلیت

جایگاه شعر نزد عرب‌ها قبل از ظهور اسلام

شعر در نظر عرب‌ها قبل از ظهور اسلام از موقعیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود تا آنجا که آن را بهترین و صائب‌ترین سخن می‌شمردند و گنجیه‌ی معارف و حکمت خویش را در آن یافته بودند. ابن خلدون در حالی که وضعیت آن زمان آنان را شرح می‌دهد چنین می‌گوید: «بدان که هنر سرودن شعر گرامی‌ترین سخن نزد عرب‌ها بود. از همین روی آن را دیوان دانش و اطلاعات خود می‌شمردند و اعمال صواب و خطای خویش را در آینه‌ی آن به تماشا می‌نشستند و آن را مرهمی می‌دانستند که در بسیاری از دانش‌ها و معارف به آن مراجعه می‌کردند و در این زمینه چون بسیاری از زمینه‌های دیگر نبوغ و ویژگی منحصر به فردی داشتند» (ابن خلدون، ۱۹۸۳: ۳۵۳). اخبار و روایاتی در این زمینه وجود دارد که عرب‌ها شعر را مقدّس می‌شمردند و معتقد بودند که تقدیس آن از امری دینی ناشی می‌شود و به همین جهت آن را بر مردگان خویش می‌خواندند (ابن ندیم، ۱۳۴۸: ۱۳۸).

همانطوری که اَصمعی از عمر و بن علاء روایت کرده است: «شاعران در نظر عرب‌ها به منزله‌ی پیامبران در میان ملّت‌ها به حساب می‌آمدند تا با شهرنشینان درهم آمیختند و شعر را وسیله‌ی تکسّب قرار دادند و از قدر و مرتبه‌ی خود کاستند» (رازی، ۱۹۷۵: ۱/۸۳-۹۲).

دیگر اینکه شعر وسیله‌ی ثبت عادات و تقالید و ارزش‌های جاهلی حکم‌فرما بر جامعه‌ی آنان بود، که پیشاپیش آن، تفاخر به اصل و نسب قرار داشت تا آنجا که هرکس برادرش را بدون هیچ گونه دلیل کمک و یاری می‌کرد (هر فرد به یاری افراد قبیله‌اش می‌شتافت)، آنگونه که شاعر جاهلی قریط بن أنیف عنبری از قبیله‌ی بنی تمیم گفته است:

قَوْمٌ إِذَا الشَّرُّ أَبَدَى نَاجِدِيهِ لَهُمْ
طَارُوا إِلَيْهِ زَرَافَاتٍ وَ وُحْدَانًا
لَا يَسْأَلُونَ أَحَاهُمْ حِينَ يَبْدُوهُمْ
لِلنَّائِبَاتِ عَلَى مَا قَالَ بُرْهَانًا

«گروهی که چون هیولای شرنیش خود را به آنان بنمایاند، دسته‌جمعی و تنها به سوی آن پر می‌کشند. آنگاه که برادرشان در حوادث دهر از آنان کمک بخواهد هیچ دلیلی در پاسخ به درخواست او نمی‌جویند» (مرزوقی، ۱۹۵۳: ۲۲/۱-۲۳).

زیرا کفایت فردی از قبیله‌ی آنان درخواست کمک نماید حال ستمگر باشد یا ستم‌دیده فرقی ندارد، این درید بن صمه است که به زبان حال آنان سخن می‌گوید، آنگاه که می‌گوید:

وَ هَلْ أَنَا إِلَّا مِنْ غَزِيَّةٍ إِنْ غَوَتْ
غَوَيْتُ وَإِنْ تَرَشُدُ غَزِيَّةٌ أُرْشِدُ

«آیا من فردی غیر از افراد قبیله‌ی غزیه هستم اگر آنان گمراه شوند من نیز راه خود را گم کنم و اگر آنان راه بیابند من نیز راه خویش را پیدا نمایم» (اصفهانی، ۱۹۶۰: ۸/۱۰).

این امر به جماعت و گروه ویژه‌ای اختصاص نداشت بلکه در نزد عاقلان و خردمندان آنان نیز رواج داشت تا آنجا که زهیر بن ابی سلمی که در عقل و حکمت مشهور است در این زمینه می‌گوید:

وَ مَنْ لَمْ يَذْ عَن حَوْضِهِ بِسِلَاحِهِ
يُهَدِّمُ وَ مَنْ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ يُظْلَمُ

بدین ترتیب عرب‌های جاهلی همان‌گونه که شعر را در مصالح زندگی اجتماعی خویش به خدمت گرفتند، به وسیله‌ی آن برخی ارزش‌های سودمند؛ چون ستایش کرم و نکوهش بخل و دعوت به جوانمردی و تشویق به شجاعت و پایداری و جز آن را قوت بخشیدند.

از سوی دیگر عرب‌های جاهلی شعر را برای تشویق به انتقام جویی به کار گرفتند تا آنجا که این عادت زشت اختلافات زبانی را به درگیری خونین تبدیل می‌نمود، و زندگی آنان را در کشمکش دائم قرار می‌داد، و پیوسته آتش جنگ میان آنان زبانه می‌کشید. و همین‌گونه پی در پی در میان آنان متداول بود تا آنجا که این امر قانونی پسندیده در زندگی آنان بود، و خروج از آن موجبات هلاکت و نفرین شخص را به دنبال داشت. ام‌نُدبه (همسر حذیفه بن یمان) بعد از کشته شدن فرزندش، شوهرش را بر پذیرش خون‌بها سرزنش می‌کند و او را به جهت ترس از اتهام به بزدلی و خواری به انتقام جویی و خونخواهی فرا می‌خواند و می‌گوید:

حُدَيْفَةُ لَأَسْلِمْتَ مِنَ الْأَعَادِي	وَ لَا وُقِيْتَ شَرَّ النَّائِبَاتِ
أَيَقْتُلُ نُدْبَةَ قَيْسٍ وَ تَرْضَى	بِأَنْعَامٍ وَ سَوْقِ سَارِحَاتِ
أَمَا تَخْشَى إِذَا قَالَ الْأَعَادِي	حُدَيْفَةُ قَلْبُهُ قَلْبُ الْبَنَاتِ
فَخُذْ تَأْرَأَ بِأَطْرَافِ الْعَوَالِي	وَ بِالْبَيْضِ الْحِدَادِ الْمُرْهَفَاتِ
لَعَلَّ مَيْيَّتِي تَأْتِي سَرِيعاً	وَ تَرْمِينِي سِهَامُ الْحَادِثَاتِ
أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ بَعْلِ جِبَانٍ	تَكُونُ حَيَاتُهُ أَرْدَى الْحَيَاةِ

«ای حذیفه از چنگال دشمنان و حوادث روزگار نجات نیابی. آیا قبیله‌ی قیس ندبه را بکشند و تو به گرفتن حیوانات چراکننده در صحرا خشنودی. آیا از سخن دشمنان نمی‌ترسی که بگویند دل حذیفه چون دل دختران است. پس با نیزه‌ها و شمشیرهای تیز آخته انتقامت را بگیر، امیدوارم هرچه زودتر مرگم فرا رسد و با تیرهای حوادث تیر باران شوم، که این کار برایم بهتر است از آن که شوهری ترسو داشته باشم که زندگی ذلت باری دارد» (جابر حینی: ۹۱).

بدین ترتیب شعر به ابزاری برای ثبت کامل افتخارات و بزرگواری آنان تبدیل شد همانطوری که دیوان اخبار و اطلاعات درست یا نادرست تاریخی آنان به حساب می‌آمد. ابن سلام در کتاب طبقات می‌گوید: «شعر در دوره‌ی جاهلیت دفتر دانش آنان بود و مرجع و منبعی مهم درباره‌ی احکام صادره از سوی آنان بر اشیاء به حساب می‌آمد» (ابن سلام، ۱۹۸۲: ۲۴/۱).

ابن قتیبه وظیفه و نقش شعر را نزد عرب این‌گونه بیان می‌دارد: «همان‌گونه که خداوند ملت‌های دیگر را به سلاح نویسندگی مجهز کرد، در میان عرب‌ها شعر را جایگزین این فن نمود. و آن را گنجینه‌ی علوم و نگهبان آداب و انساب و دیوان اخبار آنان قرار داد، که با گذشت زمان در طول روزگار فرسوده و نابود نمی‌شود. و آن را به وسیله‌ی وزن و قافیه و ترکیب زیبای آن نگه داشت و نوشتن آن موجب شد تا دستخوش تغییرات نگردد» (ابن قتیبه: ۱۴).

به دلیل برخورداری شعر از چنین اهمیت و مقامی عرب‌ها آن را در مناسبت‌های گوناگون به کار می‌بردند. و به ذکر انساب خویش افتخار می‌ورزیدند و با ذکر فضایل اخلاقی خویش بر دیگران مباحث می‌کردند. و حوادث و جنگ‌های گذشته را بازگو می‌نمودند. و نام سوارکاران و دوندگان و خردمندان قبایل خویش را در آن ثبت می‌نمودند. در نتیجه انگیزه‌ی بخشش‌های فراوانی از سوی بخشندگان می‌گردید. و این کار سنتی معمول در میان آنان بود.

به این ترتیب شعر به عنوان معیاری در قضایای مختلف تبدیل شد و شاعران به عنوان داورانی اجتماعی مطرح شدند. و در کارهای مهم و بزرگ، گفتار و نظریه‌ی آنان تمام‌کننده‌ی قضایا بود و حرف آخر توسط ایشان زده می‌شد. شاعر نماینده و سخنگوی قبیله‌ی خویش در اجتماعات و مجالس بود که عواطف و احساسات و بلند پروازی‌های آنان را به تصویر می‌کشید همانطوری که در مواقع لازم از آبرو و حیثیت آنان دفاع می‌نمود. و به دلیل داشتن چنین جایگاه والایی موجبات ترقی یا تنزل خود و افراد قبیله‌ی خویش را در پایگاه‌های اجتماعی فراهم می‌نمود. از جمله کسانی که در بین قدامت‌انزلی اجتماعی والایی کسب کرده و باعث رفعت درجه‌ی قومش شد حارث بن حلزه یشکری است. او با سرودن قصیده‌ی معروفش در حضور عمرو بن هند موجب شد تا شاه به نفع قبیله‌ی بکر علیه تغلب حکم صادر کند.

گاهی برخی عرب‌ها به لقبی مشهور می‌گشتند و آن را ناپسند می‌داشتند اما پس از آن که شاعری توجیه نیکی برای آن ارائه می‌کرد، از داشتن همان لقب کاملاً راضی و خشنود می‌شدند. آنگونه که خاندان جعفر بن قریع به «بنو أنف الناقه» مشهور بودند و از شنیدن این لقب احساس ناراحتی می‌کردند اما هنگامی که حطیئه آنان را در این شعرش مدح گفت:

سیری أُمَامَ فَإِنَّ الْأَكْثَرِينَ حَصَا
وَالْأَكْرَمِينَ إِذَا مَا يُنْسُبُونَ أَبَا
قَوْمٌ هُمُ الْأَنْفُ وَالْأَذْنَابُ غَيْرُهُمْ
وَمَنْ يُسَاوِي بِأَنْفِ النَّاقَةِ الذَّنْبَا

«ای امامه به حرکت خویش ادامه ده زیرا پرجمعیت ترین و شریفترین گروه قومی هستند که به لقب أنف(پوزه) معروفند و دیگران دم شترند و چه کسی پوزه و دم شتر را مساوی می‌داند».

در آشکار و نهان به این نسب افتخار می‌کردند(ابن رشیق، ۱۹۳۴: ۱/۳۶-۳۵).

شعر در زمان جاهلیت تنها موقعیت اجتماعی افراد طبقه‌ی پایین را بالا نمی‌برد، بلکه عکس آن گاهی موجب انحطاط پایگاه اجتماعی بزرگان نیز می‌گردید. آنگاه که شاعری آبروی فردی را هدف قرار می‌داد منزلت و مقام او را پایین می‌آورد و قدر او را در میان مردم می‌کاست. به همین جهت مردم از زبان شاعر و هجویات و نکوهش‌های او بیم داشتند. تا آنجا که از ترس ذکر نام بد در میان آیندگان در خلوت از شاعران عهد و پیمان می‌گرفتند که بعد از این آنان را به زشتی و بدی یاد نکند(جاحظ، ۱۹۲۶: ۴/۴۵).

نظر به اهمیت نقش شعر در نظر عرب‌ها آنگاه که در قبیله‌ای از قبایل آنان شاعری به نبوغ می‌رسید، قبایل دیگر برای تبریک نزد آنان می‌آمدند و مجالس جشن و سرور و طعام برگزار می‌شد. و چون جشن‌های عروسی به اجرای ساز و آواز می‌پرداختند، و مردان و کودکان اظهار شادمانی می‌کردند. چون ظهور شاعر وسیله‌ای برای حمایت از حیثیت و دفاع از نسب، جاودانگی، ویژگی‌های اخلاقی، آوازه و نام نیکوی آنان بود(ابن رشیق، ۱۹۳۴: ۱/۴۹).

افراد قبایل مختلف اشعار شاعران خود را حفظ می‌کردند، و آن را به فرزندان خویش می‌آموختند، و برای نسل‌های بعد جمع‌آوری می‌نمودند. مثلاً افراد قبیله‌ی بنی تغلب از کوچک و بزرگ به حفظ و روایت قصیده شاعرشان عمرو بن کلثوم می‌پرداختند.

توجه به شعر به خویشاوندان شاعر و افراد قبیله‌اش و قبایل هم‌پیمان‌شان محدود نمی‌شد بلکه شاهان و امراء نیز بدان توجه مخصوصی داشته و شعر در نظرشان دارای درجه و منزلتی عالی بود.

و آنگاه که قصیده‌ی زیبایی سروده می‌شد می‌گفتند: این شعر را در خزانه بیاویزید، که شدت علاقه‌مندی آنان به این فن را نشان می‌دهد.

تعلق خاطر عرب‌ها به شعر تا حدی بود که برای شاعران کارهایی را روا می‌دانستند که برای غیر شاعران جایز نبود. از یکی از متقدمین درباره‌ی شاعران سؤال شد او در جواب گفت: «چه فکر می‌کنی در مورد گروهی که میانه‌روی در امور پسندیده است مگر برای آنان و دروغگویی ناپسند است مگر در میان آنان» و نیز در این زمینه گفته است: «برای هیچ کس روانیست که جز در حالت مفاخره خود را ستایش کند مگر اینکه شاعر باشد، زیرا این کار برای شاعران در شعر جایز است و بر آنان عیب گرفته نمی‌شود» (همان: ۱۲).



فصل دوم

قرآن کریم و شعر